

واگوبه‌ها^۱

یکی گفت: به ما چه مربوط است؟ فلسطین را می‌گفت.

آن دیگری: حماس را محکوم کرد، که به فکر مردم خود نیست.

برخی رسانه‌های غرب هم با شیطنت همیشگی‌شان مهر داعش را به عملیات حماس می‌زنند.

- حال من می‌مانم با این «قبای ژنده خود که به کجا بیاویزش، در این شب سرد زمستان»^۲

- خدایا این چیست که نصیب ما کرده‌ای؟ به کدامین گناه؟ چرا فلسطینی را چنین آواره^۳ کرده‌ای و حاکمیت

ما را در پی نخود سیاه بمب اتم فرستادی که روزی ترتیب اسرائیل را بدهد.

- چرا با این «هوش و استعداد انسانی و سرزمینی»، و «با این تمدن تاریخی هزاران ساله»، با این سرهای

پرشور «لبیک» گفته نتوانیم راه «بدون سلاح اتمی» را که اول انقلاب نوید آن داده شده بود در پیش بگیریم.

- چرا جوانان ما که روزی با آن سرهای پرشور با عبور از آتش و خون سر از پا نشناخته به فلسطین می‌رفتند،

چنین بی‌تفاوت و سردرگم شده‌اند.

- خدایا این همه درماندگی و بیچارگی گناه کیست؟ به کدامین گناه ما است؟

- آیا همه از «بعض معاویه» نیست؟

رفیقم گفت: آری از بعض معاویه است. از خشم و نفرت بر علیه حاکمیت.

- گفتم: مگر در کتاب آسمانی‌مان نگفته؛ «مبادا خشم شما بر علیه کسی شما را از جاده عدل و انصاف دور

کند».

گفت: آن برای دین باوران است.

راست می‌گفت ما باورمان را، همه چیزمان را از دست داده‌ایم.

آیا باید به حال خود موپه کنیم؟

گفت: از موپه کردن کاری بر نیاید باید کمی به خود آییم. مگر در همان کتاب آسمانی نگفته: «خداوند هیچ

تغییری در وضع قومی به وجود نمی‌آورد، مگر آن که به خود آیند».

پرسیدم چگونه وضع خود را تغییر دهیم؟

گفت: حقیقتش را بخواهی نمی‌دانم. باید در انتظار فرجی بود.

گفتم: سال‌هاست که در انتظار فرج‌ایم. از چند قرن پیش، دست کم از یک صد سال پیش که اقبال لاهوری

چنین سرود:

ای غنچه خوابیده چو نرگس نگران خیز
کاشانه ما رفت به تاراج غمان خیز
از ناله مرغ چمن از بانگ اذان خیز
از گرمی هنگامه آتش نفسان خیز

۱. با خود سخن گفتن، وام گرفته شده از محمود دولت آبادی.

۲. وام گرفته از نیما یوشیج در حدود یکصدسال پیش.

۳. اشاره به کتاب «فلسطینی آواره»، قابل نسخه برداری رایگان از سایت نگارنده: www.hamidnouhi.com

.....

فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ
معمار حرم باز به تعمیر جهان خیز
فریاد ز افرنگ و دلاویزی افرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ
پرسید: چرا و از کی چنین ذلیل شدیم؟ چرا چنین گرفتار شده‌ایم؟

گفتم: تا جایی که من می‌دانم دست کم شخصیتی بزرگ و نویسنده‌ای سرشناس همچون امین معلوف معتقد است از هنگام شکست امپراطوری عثمانی و امپراطوری اتریش، مجارستان در جنگ جهانی اول^۴ که با قتل آرشیدوک فرانسیس فردینالد و همسرش در سارایوو به دست یک متعصب صرب اتریشی در ۱۹۱۴ آتش آن افروخته شد.

پرسید: آیا می‌خواهی تقصیر تمام عقب افتادگی‌هایمان را گردن «دیگری» بیاندازیم؟ آن دیگری که برای آلمانی‌ها، ترک‌ها، برای فرانسوی‌ها، الجزایری‌ها، و برای یهودی‌ها، مسلمان‌ها و متقابلاً برای مسلمانان یهود و فرنگیان‌اند.

گفتم: نه چنین است. اما نمی‌توان از علل خارجی که تسهیل کننده‌اند غافل شد. نمی‌توان گردش «چرخ گردون» با هزاران ترفند آن را نادیده گرفت. یاد ناله‌های بابا طاهر عریان افتادم که گفت:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون
از او پرسم که این چین است و آن چون
یکی را می‌دهی صد ناز و نعمت
یکی را نان جو آغشته در خون
گفت: اگر چنین است چرا دور تر نرویم؟
پرسیدم: چگونه؟

گفت: توطئه شهادت علی و فاجعه کربلا را که هنوز است چوبش را داریم می‌خوریم.
گفتم: راست می‌گویی و این خونی که هر ساله در عزای آن ریخته می‌شود. گرچه عقلانی و منطقی نیست اما در درون افق معنایی تکاملی^۵ و در بستر تحولات تاریخی خود نه بیهوده است و نه بی علت درونی.

پرسید: چه افق معنایی‌ای؟

گفتم: حفظ هویت تاریخی.

پرسید: چه علت درونی‌ای؟

گفتم: «احساس مجرمیت، احساس گناه»^۶

پرسید: از چه چیز؟

پاسخ دادم: از تنها گذاشتن آن جوانمردان دلیر و بخشنده در معرکه قابیلیان.

گفت: راست می‌گویی. اصلاً چرا یقه قابیلیان دشت نینوا را نگیریم؟

۴. ر.ک امین معلوف، تمدن‌ها در حال غرق شدن، حمید نوحی، تهران، ۱۳۹۹، نشر چشمه.

۵. اقتباس از نظریه بن سائو در مورد فراکنش تکاملی مراسم و مناسک اقوام مختلف با اشاره به مراسم زیارت بومیان آمریکای لاتین در سلسله جبال آند» در آمریکای لاتین.

۶. Sentiment De Culpabilite بحثی در روانکاوی.

گفتم: آن ظلم هم از جای دیگری آب می خورد.

پرسید: از کجا؟

گفتم: از سربند داستان آفرینش از آزادی شیطان و مهلتی که خداوند به او داد.

با خشم گفتم: چه سخن‌ها امروز از تو می شنوم، آیا کافر شده‌ای؟

گفتم: ابداً، از من دور باد. مگر آفریننده جهان و جهانیان آن هنگام که انسان را از گل (آب و خاک) آفرید،

شیطان، آن فرشته برگزیده در آن لحظه که خداوند به فرشتگان گفت بر انسان سجده کنید، سرپیچی نکرد؟

گفتم: راست می گویی ولی چرا؟

پا سخ دادم: برای اینکه خود را از آتش فروزان «فراترانده»^۷ از جنس برتر و انسان را از خاک پستِ فروتر از

هر چیزی دانست. پس به آفریننده انسان و جهان گفتم: به من مهلت بده تا او را از راه به در کنم. تا جهان برقرار

باشد از چپ و راست و پس و پیش او در خواهم آمد، نمی گذارم لحظه‌ای روی آرامش ببیند.

گفتم: مثل اینکه هم او راست گفته بود. هم اکنون می بینم که خود برتر بینی (بخوان نژادپرستی) دست اندر

کار مدیریت سیاسی جهان است. بر پشت همه قدرت‌ها سوار است و می تازد. اکنون نه فقط فلسطین و فلسطینی‌ها

بلکه دیر نیست که همه جهان در آتش حسرت و حسد او بسوزد. گویی دیر نیست که شعله جنگ آخر الزمانی

همین جا درگیر شود.

گفتم: دور نیست. می دانی که نو محافظه کاران آمریکا (همان نئوکان‌ها) در هالیوود چه فیلم‌ها درباره جنگ

آخرالزمان ساخته‌اند.^۸ در میان مسلمانان نیز پاره‌ای از مردم تحت تأثیر اخبار و روایات آخرالزمانی قرار گرفته‌اند.

از دو طرف طبل جنگ و کشتار به صدا در آمده است.

گفتم: آری! گویی نزاع همزاد بشریت و همزاد نوع انسان است.

گفتم: آری این همان ناموس خلقت است. قانون آفرینش.

گفتم: بیا تعبیری و نگاهی نمادین و اسطوره شناسانه به اخبار و روایات و ادیان داشته باشیم.

پرسیدم: یعنی چه؟

گفتم: مگر همین شیطان از اول خدا شناس نبود؟ مَلِکِ برتر خدا نبود و برای از راه به در کردن انسان از خدا

مهلت نخواست و خدا تا زمان معین (أجل مسمی) به او مهلت نداد؟

پرسیدم: خوب معنی این چیست؟

گفتم: اول اینکه جهان واحد است. خیر و شر دل‌دل‌اند، نیکی و بدی مرز جغرافیایی، قبیله‌ای، قاره‌ای میهنی،

نژادی و در نهایت دینی و شرق و غرب ندارد.

پرسیدم: ولی چگونه چنین است؟

۷. بالارونده، صعود کننده فراتر رونده، سرایت کننده، تسخیر کننده.

۸. مشهورترین این فیلم‌ها به نام «آرماگدون» به سال ۱۳۹۸ ساخته شده. نیز ر.ک. به: کورانی، علی، عصر ظهور و منابع اینترنتی.

گفت: از همان سربندِ دلادلی خاک و آتش، و این که جهان دوگانه نیست، اقلیم شر و اقلیم نیکی؟ اگر شیطان حاکم است به اجازه خداوند بود و اگر انسان ر ستگار خواهد شد باز هم بنا بر تفویض جانشینی خدا به انسان در روی زمین و مسخر کردن زمین و آسمان به امر خدا برای او است.^۹ دوم اینکه شیطان هم چند روزی وقت شیطنت دارد. دوران او هم به سر خواهد آمد. این همان ناموس واحد و ازلی خلقت است. قانونی که بر همه جای عالم حاکم است. من و تو ندارد، شرق و غرب، شمال و جنوب ندارد. مگر ما مسلمانها مرتکب بدترین جنایات در حق خود و سرزمینهای خودمان نشده‌ایم. هیچ مفهوم انتزاعی و کلی^{۱۰} هویت مکانی و زمانی ثابتی ندارد. فرشته خیر و نیکی هر دو در حال حرکت و نزاع دائمی‌اند از جایی به جایی و از قلبی به قلب دیگر می‌روند. هر کدام به شیوه خود و بنا بر طبیعت و حقیقت خود. هیچ کدام جا و مکان ثابتی ندارند، همه جا حضور دارند، آن‌ها در قلب همه ما هستند. به همه جا سرایت می‌کنند. خود را به همه جا بر می‌کشند.

گفتم: آری هیچ فرد و ملتی برای همیشه شر و برای همیشه خیر نیست. انسان همواره از حالی به حال دیگر در حرکت است.^{۱۱}

گفت: راست می‌گویی شیطان بر نفس اماره همه ما سوار است. هر روز و در هر جا به رنگی و شکلی تازه در می‌آید. یک روز اینجا، یک روز جای دیگر، مگر ما خود بدترین جنایات را در طول تاریخ خودمان نسبت به خودمان مرتکب نشده‌ایم؟ که هنوز هم می‌شویم. خیال می‌کنی هم اکنون دولت-ملت‌های مسلمان در این ستمی که بر فلسطینیان می‌رود شریک نیستند؟ هیچ محور دائمی خیر و شر نداریم. هر دو در حرکت دائمی‌اند. از قلبی به قلب دیگر از ملتی به ملت دیگر.

گفتم: آری! تنهایی و بی‌پناهی فلسطینی‌ها بیشتر از هر چیز از خودمان است. از دولت‌هایمان.

مصر هنوز مرز خود را حتی برای کمک رسانی به غزه باز نکرده^{۱۲}. آیا در رسانه‌ها ندیدی تصویر تریلی‌های کمک رسانی را در پشت پُست مرزی رفح. خدایا این حاکمان مگر دل از سنگ دارند. دستان همه این‌ها به خون آغشته است. خون هابیل که امروز بر تن فلسطینیان جاری است، خونی که دگر روزی چند در بدن‌های دیگری جاری خواهد بود. همان خونی که روزی در اندام یهودیان آلمانی جاری بود!

پرسید: خوب دلیل این همه سخن سرایی تو چیست؟

پاسخ دادم: همان بی‌مرزی خیر و شر، روزی بود که شیطان بر ایدئولوژی نازی سوار بود و تا توانست تاخت و تاز کرد و امروز بر ایدئولوژی صهیونستی سوار است.

گفت: آری، نیکی مرز ندارد. حال کمی از نیکی و انساندوستی در دل شر در درون حاکمیت صهیونیستی در اسرائیل. از موج روز افزون مهاجرت‌های معکوس بگو. از نرخ مهاجرت یهودیان به خارج که اکنون از نرخ مهاجرت کشورهای در حال توسعه از جمله از ایران خودمان - که میدانم چقدر تمایل به گریز زیاد است - کم‌تر نیست.

۹. اشاره به آیات قرآنی.

۱۰. هیولا در مکتب فلاسفه و علمای منطق قدیم: افلاطون، ارسطو، فارابی و ابن سینا.

۱۱. وام گرفته شده از آیه «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ».

۱۲. تا هنگام نوشته شدن این سطور، شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۲.

چیزی که تا دو دهه پیش سابقه نداشت. اسرائیل که روزی بهشت آمال و آرزوها بود. بهترین پزشکی، بالاترین سطح علمی و ... اکنون به خاطر مهاجرت معکوس، هم کمبود پزشک دارد و هم کمبود خلبان^{۱۳} گفتیم: آری، از احساس نا امنی و بی آینده بودن در اسرائیل است. از فرو ریختن اسطوره شکست ناپذیری و امنیت خلل ناپذیر اسرائیل در دو دهه اخیر.

گفت: اما این هم به هر حال به معنی به بن بست رسیدن شراست. اینها یا خودشان یا والدینشان، روزی روزگاری از همه جای دنیا به سوی این «بهشت موعود» روی آوردند. حکومت‌های بعدی از روسیه گرفته تا اروپای غربی از این سیل مهاجرت به خارج از مرزهایشان استقبال و آنرا تسهیل کردند. حالا با آن همه آرزوی خوشبختی، با آن همه تبلیغات برای جذب، در آنجا احساس آرامش و راحتی نمی‌کنند.

گفتم: آری درست است، نارضایتی پدیده‌ای تک علتی نیست. نتیجه مجموعه شرایط نا سالم از جمله عدم تفاهم سیاسی با حاکمان است. آنها می‌خواستند سرزمینی از آن خود داشته باشند. حالا می‌بینند این سرابی بیش نبوده. بلکه مورد بهره‌برداری و سوءاستفاده محافل ثروت و قدرت سیاسی لجام گسیخته جهانی واقع شده‌اند. در میان یهودیان جهان و حتی مهاجرین سابق و در درون اردوی صهیونیسم افزون بر دانشجویان و روشنفکران، متفکران و آزادگان بسیاری وجود دارند. قوم یهود در طول تاریخ خود فقط رهبران عوامفریب و جنایتکار به جهان تحویل نداده. برخلاف این، در همه زمینه‌ها مخالف آنها را نیز پرورش داده است. فهرست این آزادگان و انسان دوستان یهودی که آثاری پر بار و عمیق از خود به جای گذاشته‌اند یکی دوتا نیست. چیزی که همواره این پرسش را پیش می‌آورد که چرا؟ علت این همه رشد و شکوفایی در خانه به دوشی و تحت ستم‌های همه جانبه در اینجا و آنجا چیست؟

خدایا این چه قومی است؟

گفت: این زیست جهان آنان است. آوارگی! که بخش مهمی از این زیست جهان را تشکیل می‌دهد. در واقع آنها هم تا دوره‌ای جزء ستمدیدگان عالم بودند، به ویژه در اروپا و روسیه، در همه جا تحقیر می‌شدند. از همان ابتدای تکوین هویت قومی و سیاسی‌شان. برخی از پژوهشگران باور دارند که تشویق کتاب مقدس آنها (عهد قدیم) به علم آموزی نیز در این زمینه بی تأثیر نبوده همچنان که حکم شرعی آزادی دریافت ربا از غیر یهود و توصیه‌های آن کتاب به ثروت اندوزی.

امپراتوری روم قدیم همه آثار تمدنی و باستانی آنها را ویران کرد و از بین برد. کوروش پادشاه هخامنشی بود که عزت و آزادی را به آنها بازگرداند.

گفتم: آری بر حسب تصادف و از شگرد تاریخ، یکی از دوره‌های همزیستی و آرامش قوم یهود در دوران حکومت‌های عرب آفریقا^{۱۴} بوده، دوره‌ای که مسلمانان، مسیحیان و یهود نه تنها در آنجا بلکه در آسیای صغیر در

۱۳. چشم انداز ایران (در ماهنامه) شماره ۱۴۰، مقاله مستند پژوهشی محمد حسن احمدی در بخش سیاست خارجی.

۱۴. مورها (Maurs) در زبان فرانسه به مسلمانان شمال آفریقا گفته می‌شود که از قرن هفتم تا پانزدهم میلادی اسپانیا حکومت کردند و آثار تمدنی و علمی و ادبی عظیمی از خود به یادگار گذاشتند. هنوز پس از گذشت هفتصدسال از آخرین فرمانروایی مورها، اسپانیا از توریسم جهانی برای بازدید آثار شگرف معماری آن دوره در شهرهای جنوبی آندلس یا آندالوزیا پول پارو می‌کند.

همین حدود جغرافیایی کنونی لبنان و سوریه و فلسطین به آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. آثار به جا مانده از آن دوران در شهرهای جنوبی اسپانیا، غرناطه (گرونادا) طلیطله (تولدو)، کوردوبا (قرطبه) و ... داستان «لئوی آفریقایی» امین معلوف و کتاب «اعراب هرگز اسپانیا را اشغال نکردند»^{۱۵} از یک نویسنده اسپانیایی روایت‌گر این دوره تمدنی درخشان است که در قرن پانزدهم میلادی با پیروزی مسیحیان صلیبی و هزیمت مسلمانان و یهود به پایان رسید.

گفت: اجازه بده به سخن تو اضافه کنم که مخالفت خود اسرائیلی‌ها با سیاست‌های راست افراطی تبعیض نژادی حاکمشان کم‌تر از جاهای دیگر دنیا نیست. چیزی که به چشم جهانیان نیامد؛ تظاهرات و اعتراضات درون اسرائیل بر علیه عملیات کشتار مسلمانان در آخرین نبردهای لبنان به ویژه در سال ۲۰۰۶ است. نبردی که به جنگ سی و سه روزه مشهور شد. در حالی که جهان در مجموع نظاره‌گر بود.

پرسیدم: میدانی چرا؟ برای این که فرمانروایی رسانه‌های بزرگ جهان در دست سرمایه‌داری بی‌اخلاق است. پاسخ داد: ولی به نظر می‌رسد این بار داستان خیلی متفاوت است. این بار گسترش و پایداری تظاهرات مردمی در همه جای جهان خیلی بیش از دفعات گذشته است. این داستان سر دراز دارد و این نبرد هم نبرد آخر نیست. گفتم: خیلی از داستان اصلی‌مان دور شدیم. شرح این روایت‌ها و شرح ماجراهای تاریخی آن پایان ندارد. برای نمونه‌ای از خروار به طور فهرست‌وار بخوانید:

۱- دفاع جانانه یانپس واروفاکیس مشهور به «سرخ» از اعضای گروه «مستندهای آموزش انقلابی اروپایی» و انتقاد جانانه او از اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به عنوان جنایتکاران اصلی:

«رسانه‌هایی که مذبوحانه تلاش می‌کنند حمله‌ای را که توسط حماس یا هواداران آن انجام شده محکوم کنند، هرگز به این هدف نخواهند رسید. جنایتکار اصلی (در این سرزمین) حماس نیست. جنایتکار اصلی [آمریکایی‌ها] و اروپائیان‌اند که برای مدت زمانی طولانی این حقیقت را پنهان کرده‌اند که این فلسطینیان‌اند که (هر روزه) به قتل می‌رسند و نه اشغالگران». او از اروپایی‌ها خواست تا با انهدام حاکمیت تبعیض نژادی (در اسرائیل) و تقویت صلح گناهان گذشته خود را جبران کنند.^{۱۶}

۲- افشاگری‌ها و سخنان یکی از یهودیان آزاده و تحلیل‌گر برجسته‌ی روزنامه معروف هاآرتز:

«می‌خواهم از سه اصل سخن بگویم که باعث می‌شوند ما اسرائیلی‌ها بتوانیم با واقعیت‌های وحشیانه‌ی موجود، در آرامش زندگی کنیم.

- یک: اکثر ما اسرائیلی‌ها، اگر نه همه ما، از عمق وجودمان باور داریم که «قوم برگزیده» هستیم.

پس حق داریم هر کار دلمان می‌خواهد انجام دهیم.

- دو: در تاریخ مصادیق وحشیانه‌تر و طولانی‌تری از اشغالگری وجود دارد. هر چند که اشغالگری

اسرائیل هم دارد به رکورد بی‌نظیری می‌رسد. اما هرگز در طول تاریخ، اشغالگری وجود نداشته که خود را قربانی معرفی کند! نه فقط قربانی، بلکه تنها قربانی موجود در صحنه! این هم باعث می‌شود ما

15. Les Arabes non Jamais Envahient Le spaine Ignacio Olague 1970 Flamharion.

۱۶. رک. کانال تلگرامی نگارنده: T.me/nouhihamid

اسرائیلی‌ها [به رغم جنایات هر روزه (مان)] بتوانیم در آرامش زندگی کنیم، زیرا باور داریم که خودمان قربانی هستیم!

- سومین عاملی که باعث می‌شود ما اسرائیلی‌ها بتوانیم در عین اشغالگری با آرامش کامل زندگی کنیم، که شاید مهم‌ترین و بدترین عامل نیز باشد [سوءاستفاده از هولوکاست است].
از قربانی‌سازی گفتم، از ادعای قوم برگزیده «بودن» هم گفتیم اما باید بگویم که وقتی اشاره به قربانی‌سازی می‌شود باید کاری کنیم که از هولوکاست و از خانم گُلدا مایر فراموش نشدنی که یهودیان آمریکایی به اسرائیل صادر کردند [نیز یاد کنم]! این زن فراموش نشدنی میگفت: «بعد از هولوکاست یهودیان حق هر کاری دارند».

بدیهی است که این سومین و خطرناک‌ترین عامل یعنی: انسانیت‌زدایی سازمان یافته از فلسطینی‌ها باعث شده ما اسرائیلی‌ها با هر جنایتی کنار بیایم. چون وقتی آن‌ها بشر نباشند، حقوق بشر هم ندارند! اگر پوست هر اسرائیلی را خراش دهی، آن زیر خواهی دید چنین باوری وجود دارد. تقریباً هیچکدام از ما رفتارمان با فلسطینی‌ها مانند یک انسان برابر مثل خودمان نیست.

سخن پایانی

اسرائیل همواره تلاش می‌کرده با دو هدف عملیات تهاجمی خود را در اسرع وقت به پایان برساند:

- ۱- غافلگیری نظامی - امنیتی فلسطینیان و سازمان‌های عرب درگیر در منازعه.
- ۲- بیدار نشدن وجدان به خواب رفته جهانیان (بلکه هیپنوتیزم شده تحت تأثیر جیغ و فریادهای رسانه‌ای غرب)

به نظر می‌رسد این بار و همین‌طور دوبار پیش و در دو دهه گذشته در حمله به لبنان و غزه به دلیل مقاومت جانانه فلسطینی‌های غزه و لبنان و وضعیت دشواری برای اسرائیل پیش آمده ناشی از روندهای گذشته که دارای وجوه متناقضی است: از یک طرف شکست فاحش دولت‌های عرب متخاصم و همجوار اسرائیل در جنگ‌های متقارن و همچنین قطع امید فلسطینی‌های خط مقدم در لبنان و غزه و کرانه باختری کشورهای عرب و مسلمان، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های انقلابی سنتی از جمله الفتح، سازمان آزادی بخش فلسطین، مارکسیست‌ها و ... و از طرف دیگر شکست. پیمان‌های اسلو و کمپ دیوید که تندروان و آشتی‌ناپذیران در هر دو جبهه متخاصم و به ویژه اسرائیلی‌ها با نقض تعهدات خود آن را به بن‌بست رسانیدند.

اسرائیل که سرمست از پیروزی در جنگ شش روزه توسعه شهرک‌ها و محصور کردن فلسطینی‌ها و این اواخر توسعه روابط با دولت‌های محافظه کار عرب، خود را آسیب‌ناپذیر می‌دانست، در این اواخر بهانه بسیار موثری هم پیدا کرده بود، بهانه مقابله با جمهوری اسلامی ایران که در پی نابودی اسرائیل با دست‌رسی به بمب اتمی است. ناگفته نماند که تبلیغات و سیاست‌های ایران و اسرائیل به طور متقابل به یکدیگر در فرایازی (بخوانید هژمونی) جریان‌های راست افراطی و انحصار طلب در هر دو سو کمک می‌کردند.

نیروی بازدارندگی نظامی تنها در صورت برخورداری از انسجام درونی مؤثر است. انسجامی که با درپیش گرفتن راهبردها و رویکردهای مبتنی بر صلح و همزیستی درونی و پذیرش تنوع و تکثر همه جانبه به وجود آمده

باشد. در غیر این صورت نه تنها از نیروی مسلح تهاجمی یا تدافعی هیچ کاری ساخته نیست، بلکه یک دام گسترده و یک پرتگاه خوفناک و سرابی فریبنده بیش نیست.

همین چند روزه که برای قرار گرفتن در جریان نبرد غزه برای اولین بار برنامه‌های تلویزیونی کانال یک ایران را نگاه می‌کردم. به اهمیت این انگاره پی بردم. تظاهرات به نفع فلسطینی‌ها در ایران از همه کشورهای دیگر و نه فقط از کشورهای مسلمان، کم جمعیت‌تر، بی‌رمق‌تر، بی‌هیجان‌تر، فاقد شور و انگیزه و فاقد نیروی جوان و پر حرارت بود. واقعیتی که به طور مسلم از دید تحلیل‌گران و ناظران و رصدکنندگان و مسئولان کشورهای دیگر پنهان نخواهد ماند. حقیقت تلخی که فقط پس از یک دوران طولانی، جدی و پر زحمت اصلاحات از طرف حاکمیت قابل ترمیم است. حالا حاکمیت با این انسان‌های سرخورده، فاقد همبستگی ملی، خصم حاکمیت و هویت تاریخی و ملی فروپاشیده چه می‌خواهد بکند، کجا را می‌خواهد فتح کند؟

پیروزی پیشکش، سیلی زدن به گوش دشمن صهیونیستی هم پیشکش. بزرگترین خدمتی که به اسرائیل و صهیونیسم کرده‌ایم ویران‌سازی هویت ملی‌مان است، با همه ته‌رنگ‌های مذهبی و تاریخی و رنگارنگی قومی و نژادی. در نوشتارهای پیشین نگرانی خود را از این نابرابری که در آن اسرائیل در خفا به برنامه ریزی و آماده‌سازی همه جانبه برای گسترش مرزهای خود و تسلط بیشتر بر منطقه می‌پردازد و اعراب نعره می‌کشند که آن‌ها را به دریا خواهیم ریخت، ابراز کرده‌ام.^{۱۷} دیدید در ۱۹۶۷ چه بر سر جمال عبدالناصر رهبر بزرگ ملی مصر و نماد وحدت و آزادی اعراب آمد. در حالی که مصری‌ها به درستی خوشحال و مغرور از کودتای موفق افسران آزاد به رهبری ناصر در به زیر آوردن حاکمیت اشراف سنتی و بیرون راندن انگلیسی‌ها از کانال سوئز در برابر ارتش‌های مشترک فرانسه، انگلیس و اسرائیل و تاسیس بلوک غیر متعهدها با مشارکت سه رهبر بزرگ ملی و پر نفوذ احمد سوکارنو در اندونزی، ناصر در مصر و تیتو در یوگوسلاوی بودند و مصر با شعار آزادی «حرم شریف» ارتشی یک میلیونی با تجهیزات شوروی تدارک دیده بود. اسرائیل با حمایت انگلیس و فرانسه در حمله غافلگیرانه و برق آسا طی شش روز به آن طرف کانال سوئز رسید. مصر تسلیم شد. ناصر استعفا کرد، توده‌های میلیونی بر سر زنان و شیون کنان وارد خیابان‌ها شدند و با گریه و زاری از ناصر خواستند که ترکشان نکند.

کار کارستان ما وحدت در داخل در پرتو رشد و توسعه و عدالت اجتماعی با مشارکت همه مردم، و همه جناح‌ها است. که حاکمان ما در چهل و اندی سال گذشته به جز دوران‌های کوتاه در جهت مخالف آن حرکت کرده‌اند. با توجه به آنچه گذشت اکنون تنها می‌توان به افکار عمومی جهانی برای حل و فصل اگر نه عادلانه بلکه دست کم منصفانه مسأله فلسطین. راه حل تشکیل دولت مستقل فلسطین با مراجعه به آرای تمام فلسطینی‌ها امید داشت.

۱۷. پدیدارشناسی «معامله قرن»، ماهنامه چشم‌انداز ایران ۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۹ و سایت شخصی نگارنده: www.hamidnouhi.com